



سوپر روبرت پیرس

ویل شارپ
مترجم: نوید صراف

«روبرت اینجا چه کار می‌کنی؟ اینجا جای تو نیست.» سی دقیقه از نخستین دیدار پیرس در آرسنال گذشته بود و هافبک فرانسوی در گفت‌وگویی با خود به دنبال دلایلی برای توضیح انتقالش به انگلیس بود.

با هر تکل محکم، هر نبرد فیزیکی و هر درگیری در میانه میدان او احساس درد می‌کرد. ابتدا از روی نیمکت نظاره‌گر این صحنه‌ها بود و احساس امنیت داشت، در آن لحظات به این می‌اندیشید که روی نیمکت از بی‌رحمی و خشونت بازیکنان لیگ برتر انگلیس در امان است اما خود نیز می‌دانست که دیر یا زود زمان حضور در مستطیل سبز و تقابل با تک‌تک آن بازیکنان خشن و بی‌رحم فرا خواهد رسید.

پیرس با آرسنال برای نخستین تجربه رسمی خود با پیراهن این تیم به ساندربند سفر کرده بود تا در هفته اول میهمان این تیم باشند. او ابتدای تابستان به توپچی‌ها پیوسته بود و روزهای نخست با شور و اشتیاقی وصف‌نشده در انتظار پوشیدن پیراهن تیم و بازی در لیگ برتر بود اما به ناگاه تردید بر دلش نفوذ کرد و در همان لحظه نیز اشتیاق خود را تا حدود زیادی از دست داد. پیرس درباره آن روزها می‌گوید: «فیزیکی بودن لیگ برتر انگلیس بیش از همه چیز من را آزار می‌داد. تعهد؛ تعهد در آنجا باور نکردنی است. برای مدتی از تصمیم خودم برای پوشیدن پیراهن آرسنال احساس پشیمانی می‌کردم.»

سرانجام اما زمان موعود فرا رسید و تابلوی تعویض شماره «روبرت پیرس» را نشان داد. ستاره فرانسوی آماده تجربه نخستین لحظات خود در لیگ برتر انگلیس بود، بی‌خبر از آنکه یک شروع رویایی یا خاطره‌انگیز انتظارش را نمی‌کشد! او یک ۳۰ دقیقه نه‌چندان به یادماندنی را سپری کرد و در روز اخراج «پاتریک ویرا» طعم شکست یک بر صفر مقابل میزبان‌ش را چشید.

جدیدترین خرید فرانسوی «آرسن ونگر» پس از شروعی نه‌چندان خوب، روزهای بدی را نیز در این تیم سپری کرد؛ مهره‌ای که با گذشت چندین ماه نتوانسته بود نظر هواداران را به خود جلب کند. اما در دل تاریکی، بارقه‌ای روشنایی تابید و پیرس با زدن نخستین گل خود برای آرسنال توانست با کسب تساوی از لاتزیو، حکم صعود توپچی‌های لندن به مرحله حذفی لیگ قهرمانان اروپا را امضا و صادر کند. سپس در دو دیدار برابر رقیب همشهری یعنی تاتنهام در لیگ و جام حذفی، در فاصله ۹ روز گلزنی کرد تا سرخ‌های لندن جشن پیروزی و موفقیت در شهر به راه بیندازند.

با این حال نمایش‌های خوب انگشت‌شمار در هایبیری کافی نبود؛ مخصوصاً اینکه سایه «مارک اورمارس» نیز به شدت سنگینی می‌کرد. به مرور رسانه‌ها انتقاد از هافبکی که سابقه قهرمانی جهان و اروپا در کارنامه‌اش دیده میشد را کلید زدند. افرادی که از هیچ فرصتی برای تمسخر او دریغ نمی‌کردند و هافبک فرانسوی را «سبک وزن»، «پسری سوسول مامانی» و حتی «بزدل» لقب می‌دادند. منتقدین فیزیک و ذهن پیرس را مناسب لیگ انگلیس نمی‌دانستند

و روی نام او به عنوان اولین خروجی توپچی‌ها در زمستان دست به شرط‌بندی زدند.

با وجود تمام انتقادات و شایعات، در زمستان هیچ انتقالی رخ نداد و ونگر در جمع رسانه‌ها به حمایت از هموطنش پرداخت. پیرس هم پس از دیدن حمایت و اعتماد آرسن اعلام کرد تمام تلاش خود را به کار خواهد گرفت تا اعتماد سرمربی تیم را به بهترین شکل ممکن پاسخ دهد. همینطور نیز شد؛ کم‌کم با وفق یافتن هافبک فرانسوی با فشار فوتبال انگلیس، فرمش پیشرفت کرد و تأثیرش در بازی آرسنال بیشتر نمایان شد.

روبرت در نخستین سال حضورش در آرسنال یعنی در فصل ۰۱-۲۰۰۰، دستش از فتح لیگ برتر کوتاه ماند؛ آن هم در شرایطی که توپچی‌ها کورس را به منچستر یونایتد واگذار کردند! در جام حذفی هم گرچه پا به فینال گذاشتند اما در نهایت مغلوب «مایکل اوون» و لیورپول شدند. اما این پایان تلخ برای پیرس و آرسنال، نقطه آغاز یک دوران موفق و باشکوه بود. دورانی که رابرت با نمایش‌های خود به یکی از بهترین بازیکنان تاریخ لیگ برتر انگلیس و البته آرسنال تبدیل شد.

پیرس از همان کودکی به ورزش علاقه داشت؛ او متولد شهر رنس فرانسه بود و از همان ابتدا توجهی به درس و مدرسه نداشت! خانواده‌اش از هواداران متعصب فوتبال بودند و همین نکته علاقه رابرت به فوتبال را توجیه می‌کند. پدرش «آنتونیو» متولد براگا پرتغال بود و در سال‌های جوانی‌اش فوتبال بازی می‌کرد. او همواره پیراهنی به رنگ قرمز تیره بر تن رابرت می‌کرد؛ یکی از رنگ‌های پرچم

پرتغال و البته رنگ پیراهن تیم محبوب خود یعنی بنفیکا. مادرش «مایل» نیز از اهالی اسپانیا و هوادار رئال مادرید به حساب می‌آمد و همواره پسرش را در پیراهن سفید این تیم متصور می‌شد!

جالب اینکه والدینش در منزل به دوزبان اسپانیایی و پرتغالی صحبت می‌کردند و به همین خاطر او تا مدت‌ها قادر به گفت‌وگوی روان به زبان فرانسوی نبود. تنها زبانی که پیرس در آن هیچ مشکلی نداشت، زبان پایش بود؛ او با پای خود و توپ فوتبال، رابطه‌ای صمیمانه برقرار و در زمین فوتبال، خودش را به دیگران معرفی می‌کرد. در ۱۵ سالگی نیز توانست فرصت حضور دو ساله در باشگاه رنس را برای کسب مدرک ورزشی به دست آورد؛ یک فرصت استثنایی برای اثبات بیشتر توانایی و ساخت مقدمات مسیر آتی. با این حال گویا هیچ چیز قرار نبود برای رابرت آسان پیش برود. پیرس در سال ۲۰۰۲ در مصاحبه با نشریه «تایمز» در همین خصوص گفت: «در رنس سه تیم وجود داشت؛ تیم A، B و C. من دو ماه در تیم C تمرین کردم و آنجا به انصراف از حضور در تیم می‌اندیشیدم. یک روز به خانه آمدم و به مادرم گفتم که دیگر نمی‌خواهم به فوتبال ادامه دهم. البته او از این ماجرا استقبال نکرد و گفت تو نمی‌دانی که چه می‌خواهی. گاهی اوقات در زندگی باید استوار و ثابت قدم باشی.» همین نصیحت کافی بود تا پیرس بر خواسته‌اش اصرار ورزد و خیلی زود پاداش آن را بگیرد.

در سال ۱۹۹۲، رنس را به مقصد تیم جوانان متز ترک کرد؛ جایی که با راهنمایی «فیلیپ هینشبرگر» سرمربی وقت تیم دوم باشگاه، تصمیم گرفت به عنوان یک وینگر

